

بخش تعاون ایران، اشتغال و کارآفرینی

غلامرضا شعبان پور - عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد نیریز

درجه علمی: مربی

چکیده

کارکردی که در بند دوم اصل ۴۳ قانون اساسی و قانون تعاون مصوب سال ۱۳۷۰ ایران به عهده‌ی بخش تعاون گذاشته شده ایجاد اشتغال برای کسانی است که قادر به کار هستند اما سرمایه‌ی کافی در اختیار ندارند. برای تحقق این کارکرد تا پایان هشت ماهه‌ی اول سال ۱۳۸۵ تعداد ۱۰۰۰۸۸ تعاونی در ایران تشکیل شده اما هدف پیش‌بینی شده محقق نگردیده است. یکی از علل اصلی این مسأله ترکیب اعضای تعاونی‌ها می‌باشد. اعضای تعاونی‌ها عمدتاً از کسانی هستند که جزء جامعه‌ی هدف بخش تعاون ایران قرار نمی‌گیرند. نتایج پژوهش‌هایی که به برخی از آن‌ها در این مقاله اشاره شده حاکی است، تعاونی‌ها در ایران علیرغم رشد کمی از رشد کیفی برخوردار نبوده‌اند. این مقاله نهایتاً نتیجه‌گیری می‌کند که اگر بخش تعاون بخواهد به اهداف مصرح در قانون اساسی دست یابد لازم است به کیفیت تعاونی، آموزه‌های تعاون، آموزش کارآفرینی و ترکیب اعضای توجه جدی نماید. زمان آن فرا رسیده که بخش تعاون تمام تلاش و امکانات خود را معطوف به کیفیت نماید تا کارکرد اصلی خود را محقق کند. اگر به این مهم توجه شود، توانمندی اصلی بخش تعاون که کارآفرینی و مهارت‌بخاری است، به منصفی ظهور خواهد رسید.

واژگان کلیدی:

کارکرد بخش تعاون، اشتغال، کارآفرینی.

هدف و کارکرد بخش تعاون از دیدگاه قانون اساسی

قانون اساسی ایران که پس از انقلاب اسلامی تدوین شد در اصول ۴۳ و ۴۴ به بخش تعاون پرداخته است. در اصل ۴۴ بخش تعاون را به عنوان یکی از بخش‌های سه‌گانه‌ی اقتصاد کشور به رسمیت شناخته و در بند دوم اصل ۴۳ هدف بخش تعاون را این گونه بیان می‌کند: «تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل و قرار دادن وسایل کار در اختیار همه‌ی کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند، در شکل تعاونی، از راه وام بدون بهره یا هر راه مشروع دیگر که نه به تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص منتهی شود و نه دولت را به صورت یک کارفرمای بزرگ مطلق درآورد. این اقدام باید با رعایت ضرورت‌های حاکم بر برنامه‌ریزی عمومی اقتصاد کشور در هر یک از مراحل رشد صورت گیرد.»^(۱) بر اساس این اصل، کارکرد بخش تعاون ایجاد اشتغال برای کسانی است که مهارت لازم برای انجام کار و حرفه‌ای دارند اما سرمایه‌ی کافی برای ایجاد اشتغال در اختیار ندارند. این افراد در تشکلهای تعاونی سازماندهی می‌شوند و از محل تسهیلات بانکی و دیگر منابع مشروع سرمایه‌ی کافی در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد که نه شبیه نظام سرمایه‌داری است که سرمایه از کار جداست و نه شبیه نظام سوسیالیستی که در این نظام هم سرمایه از کار جداست. در نظام سرمایه‌داری، سرمایه و ابزار تولید در اختیار سرمایه‌داران و صاحبان صنایع و ... است. و صاحبان نیروی کار، چون فاقد سرمایه هستند، نیروی کار خود را به

صاحب سرمایه می‌فروشند و دستمزد می‌گیرند. در نظام سوسیالیستی نیز سرمایه از کار جداست؛ چون سرمایه در اختیار دولت است و صاحبان نیروی کار برای دولت کار می‌کنند و دستمزد می‌گیرند؛ اما در نظام تعاونی «سرمایه» و «نیروی کار» در یکدیگر ادغام می‌شوند. صاحبان نیروی کار با کسب سرمایه از طریقی که در قانون اساسی پیش‌بینی شده، به کار و فعالیت می‌پردازند و دسترنج حاصل از کارشان نصیب خودشان می‌شود. به همین جهت قانون اساسی معتقد است، بخش تعاون می‌تواند کارآفرینی و اشتغال‌زایی کند و اقتصاد را به استقلال کامل برساند و علاوه بر آن از تمرکز ثروت چه در دست سرمایه‌داران و چه در دست دولت جلوگیری نماید. دکتر سید محمد حسینی بهشتی که به عنوان نایب رئیس مجلس خبرگان اول نقش محوری در تدوین قانون اساسی داشته در توضیح بند دوم اصل ۴۳ قانون اساسی می‌گوید: «در یک نظام اجتماعی بسیاری از افراد هستند که می‌خواهند کار بکنند ولی امکانات کار ندارند؛ و همچنین باید بازده این کاری که می‌کنند عاید خود آنان شود. در برخی از نظام‌های اجتماعی افراد زیادی هستند که کار می‌کنند و ارزش افزوده‌ی فراوانی نیز تولید می‌کنند اما نصیب خودشان نمی‌شود. از صبح تا شب کار می‌کنند ولی آن نیازهای اولیه‌ای که برشمرديم برای آنان تأمین نمی‌شود. بنابراین باید در قانون اساسی پیش‌بینی می‌شد که نظام اقتصادی ما به گونه‌ای باشد که اولاً افرادی که نیرو و توان کار دارند، بتوانند کار کنند و امکان کار کردن داشته باشند و ثانیاً بازده کاری که می‌کنند عاید خودشان شود نه نصیب دیگران و نه این که در راه برنامه‌های غیرمفید یا کم‌فایده‌ی جاه‌طلبانه‌ی سیستم‌ها مصرف شود. بدین منظور بود که این بند دوم پیشنهاد شد.»^(۲)

هدف بخش تعاون از نظرگاه قانون تعاون ایران

قانون تعاون سال ۱۳۷۰ که در سال ۱۳۷۷ در آن اصلاحاتی انجام شد در فصل اول مهمترین اهداف بخش تعاون را بدین شرح ذکر می‌کند:

«۱- ایجاد و تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل

۲- قرار دادن وسایل کار در اختیار کسانی که قادر به کارند ولی وسایل کار ندارند.

۳- پیشگیری از تمرکز و تداول ثروت در دست افراد و گروه‌های خاص جهت تحقق عدالت اجتماعی.»^(۳)

این اهداف برگرفته از اهداف مشخص شده در قانون اساسی است. این قانون برای تحقق این هدف‌ها بیشتر به تعاونی‌های تولید تأکید کرده تا با توسعه‌ی تعاونی‌های تولید زمینه‌ی دستیابی به اهداف بخش تعاون بیشتر فراهم شود. به همین منظور در تبصره‌ی ذیل ماده‌ی ۲۶ می‌گوید: «تعاونی‌های تولید در کلیه‌ی اولویت‌ها و حمایت‌های مربوط به تعاونی‌ها حق تقدم دارند.»^(۴)

جامعه‌ی هدف بخش تعاون

با توجه به اهداف و کارکردهایی که برای بخش تعاون گفته شد می‌توان گفت جامعه‌ی هدف بخش تعاون، افراد ماهر، بیکار و فاقد سرمایه می‌باشند. یعنی کسانی عمدتاً باید در تعاونی‌ها عضو شوند و در شکل و قالب تعاونی سازماندهی گردند که: ۱- بیکارند ۲- قادر به کار هستند و از مهارت کافی برای کار برخوردارند ۳- فاقد سرمایه هستند. این افراد در مؤسسات و شرکت‌های تعاونی عضو می‌شوند و با تأمین سرمایه‌ای که بخشی از آن را خودشان و بخشی را سیستم بانکی تأمین می‌کند مشغول کار می‌گردند. بنابراین اعضای تعاونی‌ها، شخصاً در شرکت تعاونی مشغول به کار می‌شوند و با اتکا به نیروی کار خود و سرمایه‌ای که از منابع ذکر شده تأمین می‌شود مشغول کار

می‌گردند. به همین لحاظ است که رویکرد عمده‌ی قانون اساسی و قانون تعاون ایران، رویکرد به تولید و توسعه‌ی تعاونی‌های تولید است. ضمن آن که باید اذعان نمود بخش خدمات نیز می‌تواند اشتغال‌زا باشد و در کنار دو بخش مولد اقتصاد یعنی بخش‌های کشاورزی و صنعت، با ایجاد فرصت‌های شغلی به جذب بیکاران پردازد و اهداف پیش‌بینی شده در بخش تعاون را محقق نماید. آن چه که از اهداف و کارکردهای بخش تعاون ایران استنتاج و استنباط می‌شود این است که اعضا باید در درون شرکت شخصاً مشغول کار شوند. در تأیید این مطلب دکتر سید محمد حسینی بهشتی در سخنرانی ایراد شده در دانشگاه تهران در ۱۳۵۹/۹/۳۰ می‌گوید: «یک مشخصه‌ی اصلی دیگر را که کم و بیش مطرح کرده‌اند و من پیشنهاد می‌کنم ... مورد توجه قرار گیرد، شرط صاحب سهم بود شاغلین در تعاونی‌های تولید می‌باشد؛ یعنی کسانی بتوانند در تعاونی تولید صاحب سهم باشند یا بمانند که در آن جا کار کنند. این قاعده در تعاونی‌های تولیدی دنیا معمول است؛ اما در ایران زمینه‌ی غفلت از آن خیلی بالاست؛ چون مواردی برایم نقل کردند که شرکتی بر همین اساس بوجود آمده، ولی آرام آرام صاحب سهمی پیدا کرده است که اینک دیگر در آن واحد تولیدی شاغل نیست. این را به عنوان یک خطر تلقی کنید و به عنوان عاملی که آرام آرام آن واحد تولیدی را از مجرای خودش خارج می‌کند و یک چیزی می‌شود آمیخته از شرکت سهامی و شرکت تعاونی و معلوم نیست چی از آب در می‌آید؟ بنابراین در تعاونی‌های تولید این مطلب که صاحب سهم حتماً در آن جا شاغل باشد، تا وقتی بتواند صاحب سهم بماند که در آن جا شاغل باشد و اگر از آن جا به هر عنوان بیرون رفت دیگر حق صاحب سهم بودن را نداشته باشد، نکته‌ی بسیار مهمی است.»^(۵)

نگاهی به آمار شرکت‌های تعاونی در ایران

بر اساس آمار ارائه شده توسط وزارت تعاون تعداد، سرمایه، اعضا و اشتغالزایی شرکت‌های تعاونی تا پایان هشت ماهه‌ی اول سال ۱۳۸۵ به شرح جدول ذیل بوده است:^(۶)

ردیف	استان	تعداد تعاونی	سرمایه (هزار ریال)	اعضاء تعاونی	اشتغال ایجاد شده
۱	تهران	۱۰/۹۶۳	۷/۷۱۴/۱۱۰/۸۱۹	۳/۰۸۱/۶۶۸	۲۲۳/۷۹۲
۲	مازندران	۶/۸۰۲	۱۲/۲۵۲/۷۴۶/۱۳۶	۱/۲۵۹/۱۰۳	۱۰۱/۸۹۲
۳	گلستان	۶/۶۴۶	۲۱۲/۷۱۶/۸۷۴	۲۶۴/۲۸۲	۵۱/۷۱۲
۴	خراسان رضوی	۶/۰۳۸	۸۳۶/۸۹۷/۷۳۱	۹۳۶/۰۴۰	۱۰۲/۴۲۹
۵	خوزستان	۵/۲۵۸	۵۶۸/۲۱۷/۳۴۲	۱/۲۳۵/۲۴۷	۷۳/۳۴۳
۶	کرمان	۴/۷۳۴	۳۸۰/۷۶۹/۰۹۴	۵۰۱/۱۳۷	۱۳۷/۵۴۳
۷	اصفهان	۴/۵۸۹	۱/۴۰۸/۰۰۵/۹۹۵	۸۸۳/۳۶۰	۱۲۲/۹۰۲

۱۲۸/۸۸۶	۶۸۸/۷۶۲	۴/۱۳۲/۴۰۷/۲۰۹	۴/۴۶۰	فارس	۸
۶۸/۵۳۳	۳۶۸/۵۰۹	۲/۴۴۱/۵۵۰/۳۷۷	۴/۱۹۵	گیلان	۹
۸۲/۷۰۹	۶۲۶/۴۷۷	۶۳۶/۹۷۵/۵۶۵	۳/۴۲۴	آذربایجان شرقی	۱۰
۷۲/۳۸۵	۶۳۹/۷۶۹	۴۵۴/۵۴۳/۱۳۱	۳/۲۳۰	کرمانشاه	۱۱
۵۰/۳۰۹	۲۲۶/۶۸۴	۲۱۱/۳۰۰/۱۳۲	۳/۰۶۶	مرکزی	۱۲
۴۵/۷۰۲	۲۱۰/۰۵۴	۳۶۸/۳۶۲/۸۷۶	۲/۹۸۰	یزد	۱۳
۷۳/۳۳۵	۴۰۰/۴۳۳	۵۴۳/۸۷۹/۵۰۳	۲/۸۸۹	آذربایجان غربی	۱۴
۴۳/۱۳۸	۱۷۰/۰۹۳	۱۲۵/۲۱۰/۵۶۲	۲/۸۸۱	لرستان	۱۵
۳۸/۰۲۳	۲۷۲/۹۵۳	۱۷۲/۸۸۴/۸۸۰	۲/۸۵۱	هرمزگان	۱۶
۳۳/۱۰۸	۱۹۱/۳۷۶	۱۳/۹۰۱/۱۴۸/۲۸۴	۲/۴۳۲	اردبیل	۱۷
۴۲/۰۳۶	۲۶۱/۰۴۷	۲۰۲/۱۶۹/۳۹۲	۲/۴۰۷	کردستان	۱۸
۳۶/۴۴۱	۴۰۵/۱۴۵	۱۹۶/۱۲۸/۲۲۴	۲/۱۴۱	همدان	۱۹
۴۰/۴۰۹	۲۶۹/۳۳۰	۲۶۰/۱۹۴/۸۹۹	۲/۰۵۸	سیستان و بلوچستان	۲۰
۴۳/۵۲۶	۱۵۲/۷۵۰	۱۱۲/۷۵۶/۱۸۸	۲/۰۳۸	چهارمحال و بختیاری	۲۱
۳۴/۸۲۵	۳۴۶/۴۷۲	۱۷۱/۵۶۵/۶۷۵	۱/۸۵۸	بوشهر	۲۲
۳۲/۹۰۴	۱۹۵/۶۲۴	۲۲۹/۱۲۵/۲۲۵	۱/۸۵۸	قزوین	۲۳
۲۱/۳۰۶	۱۵۵/۶۲۶	۱۲۶/۸۴۴/۷۴۲	۱/۸۵۱	زنجان	۲۴
۳۶/۹۲۴	۱۳۲/۵۱۳	۱۸۹/۱۲۱/۷۳۷	۱/۸۱۶	سمنان	۲۵
۲۴/۷۲۱	۱۷۶/۵۹۶	۱۷۰/۱۴۳/۰۴۶	۱/۷۵۳	کهگیلویه و بویراحمد	۲۶
۲۲/۴۰۱	۷۲/۵۳۲	۱۸۴/۴۳۹/۰۲۱	۱/۵۰۷	ایلام	۲۷

۱۶/۱۷۳	۱۲۱/۳۶۵	۲۰۹/۲۸۷/۵۵۴	۱/۲۶۶	قم	۲۸
۱۹/۴۸۶	۱۱۱/۱۵۸	۱۱۳/۶۰۵/۸۶۰	۱/۲۲۰	خراسان شمالی	۲۹
۱۰/۵۱۱	۸۶/۱۰۰	۱۱۳/۳۸۷/۰۴۴	۶۹۲	خراسان جنوبی	۳۰
۷۳/۸۳۷	۱۴۲/۸۷۸	۷۵۱/۱۲۵/۳۴۲	۱۸۵	فرا استانی	۳۱
۱/۹۰۵/۲۴۱	۱۴/۵۸۵/۰۸۳	۴۹/۳۹۱/۶۲۰/۴۵۹	۱۰۰/۰۸۸	جمع کل	

از هدف تا واقعیت

تحقیقات و پژوهش‌ها حاکی است علی‌رغم رشد کمی که در بالا به آن اشاره شد؛ در بسیاری از تعاونی‌ها، خصوصاً تعاونی‌های اشتغال‌زا اعضاء شخصاً مشغول کار نمی‌باشند یا این که در اوایل تشکیل تعاونی شخصاً به کار پرداخته‌اند اما پس از مدتی تبدیل به کارفرمایی شده‌اند که با بکارگیری کارگر و افراد غیرعضو به ادامه‌ی کار پرداخته‌اند. در بسیاری از موارد نیز افراد با استفاده از سرمایه‌ی خود و اعتباری که نزد بانک‌ها داشته‌اند، اقدام به تشکیل تعاونی نموده‌اند و از تسهیلات بخش تعاون نیز استفاده کرده و طرحی تولیدی یا خدماتی را راه‌اندازی کرده‌اند اما خودشان صرفاً به مدیریت می‌پردازند و از کارگران غیرعضو برای انجام کار استفاده می‌نمایند.

جامعه‌ی هدف؛ یعنی بیکاران دارای مهارت اما فاقد سرمایه، به میزان بسیار زیادی فراموش شده و اعضای تعاونی‌ها عموماً کسانی هستند که حتی به تسامح نیز نمی‌توان آن‌ها را با جامعه‌ی هدف مورد نظر بخش تعاون ایران، تطبیق داد. عموماً افرادی که به بخش تعاون روی آورده و اقدام به تشکیل و ثبت تعاونی نموده‌اند به منظور استفاده از تسهیلات و بودجه‌های پیش‌بینی شده در قوانین بودجه‌های سالانه و برنامه‌های توسعه‌ی پنج ساله برای بخش تعاون، به این بخش روی آورده‌اند و در این بخش مشغول فعالیت شده‌اند. در واقع می‌توان همان اصطلاحی که دکتر سیدمحمد حسینی بهشتی به کار برده را برای این تعاونی‌ها به کار برد: «یک چیزی ... آمیخته از شرکت سهامی و شرکت تعاونی». ظاهر و قالب فعالیت تعاونی است اما درون و محتوا تعاونی نیست و روح تعاون بر این قالب حاکم نیست. چون این شرکت‌ها از اعضای تشکیل نشده‌اند که مورد نظر بخش تعاون ایران بوده‌اند؟ از این نظر می‌توان گفت بسیاری از تعاونی‌های مولد و اشتغال‌زا تفاوتی با شرکت سهامی خاص ندارند! جالب است به موردی اشاره نمایم که در یکی از پژوهش‌ها نگارنده به آن برخورد نمود. در مهر یک شرکت تعاونی تولید، که شرکت موفقی هم بود، دو نام و دو شماره‌ی ثبت ذکر شده بود. یکی نام شرکت تعاونی همراه با شماره‌ی ثبت و دیگری نام شرکت سهامی خاص همراه با شماره‌ی ثبت. مدیران این شرکت حتی توجه نداشتند که به لحاظ حقوقی لازم است دو مهر تهیه کنند و این دو عنوان را از یکدیگر جدا کنند!

توجه کمی به جای توجه کیفی

باید اذعان نمود که شرکت‌های تعاونی در ایران از رشد کمی خوبی برخوردار بوده‌اند. تعداد تعاونی‌ها تا سال ۱۳۲۰ سه تعاونی بوده در سال ۱۳۳۰ به ۲۲ تعاونی رسیده، در سال ۱۳۴۰ به ۱۱۷۸، در سال ۱۳۵۶ به ۵۹۵۴، در

سال ۱۳۶۷ به ۱۹۲۴۸، در سال ۱۳۷۴ به ۳۳۲۹۱، در سال ۱۳۷۵ به ۳۸۴۸۱ و تا پایان هشت ماهه‌ی اول سال ۸۵ به ۱۰۰۰۸۸ تعاونی رسیده است.^(۷) اما این رشد کمی همراه با رشد کیفی نبوده است. هدفی که قانون اساسی ایران برای بخش تعاون در بند دوم اصل ۴۳ ذکر کرده در بسیاری از تعاونی‌های موجود محقق نشده است.

نتایج حاصل از پژوهش‌ها حاکی است نه تنها افرادی که عضو تعاونی شده‌اند جزء جامعه‌ی هدف نیستند بلکه هم جامعه، هم مدیران، هم کارکنان و اعضا از آموزه‌ها، اهداف، اصول و روح تعاون اطلاع ندارند و صرفاً به تعاونی به عنوان یک بنگاه اقتصادی نگاه می‌کنند مانند سایر بنگاه‌های اقتصادی موجود. این مسأله در تعاونی‌های تولید کشاورزی و تعاونی‌های روستایی که تحت نظارت وزارت جهاد کشاورزی می‌باشند بسیار بیشتر به چشم می‌خورد.

در تحقیقی که نگارنده تحت عنوان: «بررسی مسایل و مشکلات تعاونی‌های تولید کشاورزی در استان فارس در سال ۱۳۸۲» انجام داد مهمترین نتیجه این بود که بسیاری از تعاونی‌ها یا تعطیل و منفعول هستند یا به شعبه‌ای از بروکراسی دولتی وزارت جهاد کشاورزی تبدیل شده‌اند. علت این رکود و انفعال علاوه بر دخالت مستقیم وزارت مذکور، ضعف اطلاعات و آموزش مدیران و اعضا می‌باشد. در تحقیق دیگری که با پیشنهاد وزارت تعاون در سال ۱۳۸۰ تحت عنوان: «زمینه‌یابی تشکیل تعاونی‌های مولد و اشتغال‌زا با تأکید بر اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها در فارس» توسط نگارنده انجام شد یکی از نتایج این بود که ۲۰٪ فارغ‌التحصیلان علاقه‌مند به اشتغال در بخش تعاون می‌باشند. از این تعداد ۱۶٪ اعلام داشتند آشنایی کامل با بخش تعاون دارند، ۶۵٪ اعلام داشتند تا حدودی آشنا هستند و ۱۹٪ اعلام داشتند هیچ آشنایی با بخش تعاون ندارند.^(۸)

نگاهی به اختلافات موجود در تعاونی‌ها نیز بیانگر این است که عامل عمده‌ی اختلافات علاوه بر ضعف اطلاعات و آگاهی‌های کافی از آموزه‌های تعاونی، ترکیب اعضاء ترکیب مورد نظر قانون اساسی نیست؛ لذا به این نتیجه می‌رسیم که توسعه‌ی بخش تعاون در ایران عمدتاً کمی بوده و همراه با رشد کمیت؛ توجهی به رشد و ارتقاء کیفیت نشده است.

توانمندی مهم بخش تعاون در کارآفرینی و مهار بیکاری

با توجه به اهداف و کارکردهای مشخص شده در قانون اساسی و قانون تعاون ایران که در بالا به آن‌ها پرداخته شد، بخش تعاون می‌تواند بیکاران ماهر و توانمند را در قالب شرکت تعاونی سازماندهی کند. چنین بیکارانی که در دوره‌های سنی، تحصیلی و جنسی مختلف قرار دارند با عضویت در شرکت‌های تعاونی و تأمین سرمایه می‌توانند کارآفرینی کنند و به مقدار زیادی نرخ بیکاری را کاهش دهند. بخش تعاون ایران از اعتبارات و تسهیلات کافی برای تأمین سرمایه برخوردار است. استفاده از این سرمایه از یک طرف و متشکل ساختن بیکاران قادر به کار از طرف دیگر ادغام کار و سرمایه را رقم خواهد زد و اهداف پیش‌بینی شده در قانون تعاون سال ۱۳۷۰ و قانونی اساسی ایران را محقق خواهد کرد.

پتانسیل و استعداد زیادی در زمینه‌های مختلف صنعتی، کشاورزی و خدماتی برای فعال شدن بیکاران وجود دارد. اگر این پتانسیل به بیکاران شناسانده شود و سرمایه نیز در قالب و شکل تعاونی در اختیار گروه‌های حداقل ۷ نفره بیکار قرار گیرد بهترین زمینه برای کارآفرینی و اشتغال‌زایی فراهم می‌گردد.

علاوه بر این با توجه به این که یکی از اصول بین‌المللی شرکت‌های تعاونی «آموزش» است، تعاونی‌ها می‌توانند بیکاران را آموزش دهند. آموزش می‌تواند ابتکار و خلاقیت بیکاران را شکوفا و آنها را کارآفرین نماید. اتحادیه‌ی

بین‌المللی تعاون (I.C.A.)^(۹) در بیانیه‌ی سال ۱۹۹۵ اصل پنجم تعاونی‌ها را «آموزش، کارورزی و اطلاع‌رسانی» می‌داند و می‌گوید: «تعاونی‌ها برای اعضاء، نمایندگان منتخب، مدیران و کارکنان خود آموزش و کارورزی فراهم می‌آورند. به طوری که آنها بتوانند به نحو مؤثر به پیشرفت تعاونی خود کمک نمایند. آنها، عموم مردم بخصوص افراد جوان و رهبران افکار عمومی را نسبت به ماهیت و فواید تعاونی مطلع می‌سازند».^(۱۰)

با توسعه‌ی آموزش، سطح کارآفرینی در جامعه افزایش می‌یابد و بیکاران اعتماد به نفس بیشتری پیدا می‌کنند. آموزش سطح اطلاعات بیکاران را بالا می‌برد و همراه با آن اعتماد به نفس آنان را. مشکلی که متأسفانه بر سر راه بیکاران از جمله فارغ‌التحصیلان دانشگاهی است همین مسأله است؛ یعنی عدم اعتماد به نفس که خود ناشی از ضعف اطلاعات است.^(۱۱)

برای رشد آموزش در ماده‌ی ۲۵ قانون تعاون ایران، تعاونی‌ها موظف شده‌اند که ۴ درصد از سود سالیانه‌ی خود را صرف آموزش تعاونی برای مدیران، اعضاء، کارکنان و نهایتاً آحاد جامعه نمایند. استفاده از این منبع مالی می‌تواند موجب کارآفرینی گردد.

نهضت تعاون این توانمندی را در قرن ۱۹ میلادی در اروپا به منصفی ظهور رساند. زمانی که انقلاب فرانسه و به دنبال آن انقلاب صنعتی موجب آزاد شدن دهقانان و زارعین از مناطق روستایی شد و خیل عظیمی از کارگران کشاورزی راهی شهرهای اروپا گردیدند، بطوری که موج بیکاری این شهرها را فرا گرفت و به دنبال خود آسیب‌های گسترده‌ی اجتماعی همچون فقر را موجب شد، در کنار سرمایه‌داری در حال رشد و توسعه‌ی شتابان صنعتی، تعاونی‌ها ظهور کردند و سربرآوردند و با استفاده از نظریات نظریه‌پردازانی چون رابرت اون (Robert Owen)، لویی بلان (Lois Blanc)، فیلیپ بوشه (Philippe Buchey) و ... بیکاران را متشکل کردند و بحران اجتماعی ناشی از بیکاری را به مقدار زیادی مهار کردند.

مشکل بزرگی که در حال حاضر در ایران وجود دارد این است که اعتبارات و بودجه‌های بخش تعاون را شرکت‌های تعاونی‌ای جذب می‌کنند که اعضاء آن‌ها بیکاران مورد نظر بند دوم اصل ۴۳ قانون اساسی نیستند.

نتیجه

اگر بخش تعاون ایران بخواهد موانع و آسیب‌هایی که موجب عدم تحقق کارکرد اساسی آن یعنی ایجاد اشتغال کامل در اقتصاد و اشتغالزایی برای کسانی که قادر به کار هستند اما سرمایه و وسایل کار ندارند، شده‌اند را از سر راه بردارد و به هدف برسد لازم است رویکرد خود را عوض کند. از توجه به کمیت متمایل به کیفیت شود. رشد کمی تعاونی‌ها آن هم با ترکیب اعضایی که جزء جامعه‌ی هدف بخش تعاون نیستند به دنبال خود مدیرانی را بر این تعاونی‌ها حاکم نموده که انرژی زیادی از دولت (وزارت تعاون) می‌گیرند اما نتیجه‌ای که مد نظر قانون اساسی است حاصل نمی‌شود. بی‌توجهی مدیران، کارکنان و اعضاء تعاونی‌ها به کلید موفقیت تعاونی یعنی آموزش، عدم پرداخت سهم آموزش، عدم رعایت موازین قانون تعاون، اختلافات عدیده‌ی موجود بین مدیران، بین مدیران و بازرسان، بین مدیران و اعضا و ... همه ناشی از ترکیب اعضایی است که بر اساس توسعه‌ی کمی تعاونی‌ها به عضویت تعاونی درآمده‌اند و صرفاً از بخش تعاون یک چیز می‌خواهند: سرمایه‌ی ارزاقیمت.

زمان آن فرا رسیده که بخش تعاون ایران، که یکی از بخش‌های سه گانه‌ی اقتصاد کشور است، به بازنگری در سیاست‌ها بپردازد. توسعه‌ی کمی را رها کند و به توسعه‌ی کیفی روی آورد تا بتواند به اهداف مصرح در قانون اساسی دست یابد.

منابع:

- ۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران همراه با اصلاحات شورای بازنگری قانون اساسی مصوب ۱۳۶۸، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰
- ۲- حسینی بهشتی سید محمد، اقتصاد اسلامی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۴، چاپ ششم، ص ۱۳۹
- ۳- قانون بخش تعاونی اقتصاد جمهوری اسلامی ایران، اصلاحات مورخ ۱۳۷۷/۷/۵ مجلس شورای اسلامی، تهران، وزارت تعاون. [بی تا]
- ۴- همان، ص ۷
- ۵- حسینی بهشتی سید محمد، اهمیت شیوه‌ی تعاونی، تهران، وزارت تعاون، ۱۳۷۴، صص ۸ و ۹.
- ۶- <http://www.icm.ir/offices/statistic/amahe/amahe85.html>
- ۷- آمار شرکت‌های تعاونی تحت پوشش، ۱۳۶۷-۱۳۵۸، تهران، انتشارات وزارت تعاون و تعاون در یک نگاه، تهران، انتشارات وزارت تعاون، ۱۳۷۵. و ره‌آورد، تهران، وزارت تعاون، ۱۳۷۶.
- ۸- شعبانپور غلامرضا، زمینه‌یابی تشکیل تعاونی‌های اشتغال‌زا با تکیه بر اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاهها، فارس، ۱۳۸۰
- ۹- International Cooperation Alliance
- ۱۰- پیشرفت و توسعه‌ی تعاونی‌ها، تهران، وزارت تعاون، ۱۳۸۳، صفحه‌ی ۲۸۰.
- ۱۱- برای اطلاع بیشتر از نقش آموزش در کارآفرینی رجوع کنید به: کیا، محمد و نورا، عباس، فرآیند شناسایی فرصت در کارآفرینی، رویش، شماره‌ی ۱۶ و ۱۷، ۱۳۸۵، تهران، صص ۵-۸.